

## افقهای تازه در مطالعه زبان و ذهن





و پارامترهاست که سعی در کاستن از پیچیدگی توصیف زبان‌شناختی، ویژگی بارز این دیدگاه جدید است.

اکنون سعی می‌کنیم هر یک از مقاله‌ها را به‌طور فشرده معرفی کنیم. فصل اول که همان عنوان کتاب را بر خود دارد مقدمه‌ای کلی و غیرفنی به جریان فکری حال حاضر چامسکی در مورد قوهٔ



به‌عنوان مثال او جملهٔ *Mary expects to feed herself* را که در آن *Mary* و *herself* می‌توانند هم‌مرجع باشند ذکر می‌کند و آن‌را در برابر جملهٔ *I wonder who Mary expect to feed herself* قرار می‌دهد که هم‌مرجع بودن *Mary* و *herself* در آن ناممکن است. چامسکی با ارائهٔ مثالهایی از این دست نتایج چندی می‌گیرد. این جملات نظر‌کواین را مبنی بر اینکه هیچ حقیقتی در ماده نیست به چالش می‌کشند و برای طرفداران نظریهٔ کل‌گرایی معنی ایجاد مشکل می‌کنند و در عین حال به استقلال حوزهٔ زبانی ذهن ما از سایر حوزه‌ها تاکید می‌کنند.

فصل چهارم کتاب تحت عنوان "طبیعت‌گرایی و دوگانه‌انگاری در مطالعهٔ ذهن و زبان" آورده شده است، در این فصل چامسکی بازهم دیدگاههای برخی فیلسوفان را مورد استناد قرار می‌دهد که باور دارند مطالعهٔ زبان دارای قواعد و شرایط ویژه‌ای است که با قواعد و شرایط حاکم بر علوم طبیعی متفاوت است. وی ابتدا توضیح می‌دهد که واژهٔ ذهنی تنها به بخشی از موضوع مورد مطالعهٔ ما اشاره می‌کند و سپس تاریخچهٔ فشرده‌ای از عقاید مربوط به مطالعهٔ زبان، از دکارت تاکنون ارائه می‌کند و در همه حال این دیدگاهها را با دیدگاههای رایج در علوم طبیعی به ویژه شیمی مقایسه می‌کند. نتیجه‌ای که او می‌خواهد از بحث بگیرد این است که تمایز میان ذهن و مغز قطعی نیست و نقش خودآگاهی در پردازش دانش زبانی ما چندان با اهمیت نیست و تنها یک نگاه درون‌گرا به دانش زبانی ما می‌تواند تواناییهای زبانی ما را تبیین کند.

"زبان به‌عنوان موضوعی طبیعی" عنوان فصل پنجم کتاب است که در آن چامسکی تقریباً با همان موارد مطروحه در فصول قبل سروکار دارد، هرچند تاکید بیشتری به زبان و دانش زبانی دارد. او سابقهٔ زبانشناسی را به‌عنوان علمی طبیعی دنبال می‌کند و تاریخچهٔ افرادی را که با او در این زمینه هم عقیده بودند مرور می‌کند. چامسکی همچنان بر علمی بودن زبانشناسی تاکید می‌کند و از تقلیل این علم به روان‌شناسی یا فیزیک اکراه دارد. او مسائل زبانشناسی حال حاضر را نحوهٔ یادگیری زبان توسط کودکان و به‌کارگیری آن توسط تمام افراد جامعهٔ انسانی می‌داند. چامسکی در این مورد دو دیدگاه جالب و بدیع عرضه می‌کند. نخست اینکه اگر زبانها واقعاً قابل یادگیری هستند، این یک کشف تجربی شگفت‌آور است و دیگر اینکه زبانها تا حدودی قابل استفاده نیستند، به همین خاطر نظامهای کنشی به شکست می‌انجامند. این فصل با بحثی جالب در مورد محدودیتهای شم زبانی پایان می‌گیرد. شم زبانی یا قضاوتهای زبانی در استدلالهای زبان‌شناختی بسیار سودمند است و نقش قابل توجهی بازی می‌کند، اما چامسکی باور دارد وقتی این ابزار زبانی را با ابزار مورد استفاده در ریاضی و فیزیک مقایسه می‌کنیم، در می‌یابیم ابزار زبانی بسیار ناکارآمدتر از آن دو است.

فصل ششم تحت عنوان "زبان از دیدگاه درون‌گرایانه" تقریباً به موضوعاتی در همان راستای قبلی اشاره می‌کند و بحث مفصلی در تمایز بین پژوهش علمی تجربی و دانش عامی دارد. البته رابطه بین این دو چندان آشکار نیست، در فیزیک انتظار نمی‌رود که دیدگاههای عامه مردم در تحلیل ساخت نظریه‌های فیزیک نقش داشته باشند و در مورد مطالعات زبانی هم نباید انتظار داشت که مفاهیم مربوط به عامه و عموماً غیرعملی در ساخت نظریه‌های زبانی ایفای نقش کنند. به فرض اگر کودکی جمله I rided my bike را در انگلیسی بگوید، دلیلی نداریم که فرض کنیم او از قاعده عمومی ساختن فعل زمان گذشته پیروی نکرده و همین جمله نشان می‌دهد که او از واقعیت این قاعده آگاهی یافته است. در این فصل هم چامسکی با استفاده از مثالهایی به ظاهر ساده، نتایج جالب و بحث برانگیز در ارتباط با برتری دیدگاه ذاتی و فطری بودن زبان بر دیدگاههای دیگر به دست می‌دهد.

فصل پایانی "پژوهشهای درون‌گرایانه" ادامه مباحث چامسکی و تاکید او بر ذاتی بودن زبان است و در نهایت او بحث خود را به رهیافت اخیر دستور زایشی یعنی برنامه کمینه‌گرا متصل می‌کند و با بحثی مستدل در مورد دامنه و اهمیت مفاهیم ذاتی بودن و فطری بودن زبان. فصل را به پایان می‌برد.

نکته‌ای که در پایان بحث در مورد چامسکی می‌توان ذکر کرد این است که نوشته‌ها و آثار او فقط به این دلیل که پر دامنه هستند و مفاهیم وسیعی را در برمی‌گیرند پراهمیت و خواندنی نیستند، بلکه دلیل دیگر اهمیت و جذابیت آنها این است که پس از حدود نیم قرن هنوز نکاتی دارد که خواننده را به شگفتی وامی‌دارد. مباحث او ممکن است در مورد این باشد که انسانها یک گونه طبیعی به شمار نمی‌آیند، و یا اینکه زبان ژاپنی و ویژگیهای آن چه کمکی به درک بهتر ساخت زبان انگلیسی می‌کند، یا او چگونه مفهوم ژرف ساخت را می‌آفریند و سپس آن را کنار می‌نهد و بسیاری موضوعات دیگر. اما در همه این موارد نکاتی جالب و ناگفته را بازگو می‌کند. او از همه چیز و همه ایده‌ها و مفاهیم و مثالها بهره می‌برد تا دیدگاهی منحصر به فرد در مورد زبان و ذهن عرضه کند.

محمد راسخ‌مهندس